



Prediction of Emotional Divorce based on Marital Commitment and Family Power Structure with the Mediator Role of Intimacy

Zahra Jahanbakhshie¹ , Samaneh Soltanian^{2*} , Hossein Pourshahriar Koleshtri³

1. Department of Counselling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Email: z_jahanbakhshi@sbu.ac.ir

2. Department of Counselling, Faculty of Educational and psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email:

saman.soltanian@gmail.com

3. Department of Counselling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Email: h_pourshahriar@sbu.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:

Research Article

Article History:

Received: 14 May 2024

Revised: 31 Dec 2024

Accepted: 15 Jan 2025

First Published: 16 Jul 2025

Keywords:.

Emotional Divorce, Family Power Structure, Marital Commitment, Marital Intimacy.

ABSTRACT

The present study aimed to better understand the factors influencing the prediction of emotional divorce based on marital commitment and family power structure with the mediating role of intimacy. The research method was applied in terms of purpose, descriptive-correlational in terms of research method, and structural equation modeling. The statistical population in this study included all married women in Karaj city in 2023, from which 357 individuals were selected using the available sampling method and Morgan's formula. The research tools included the Demographic Information Questionnaire (DQ), the Marital Commitment Inventory (DCI), the Family Power Structure Questionnaire (PSQF), the Emotional Divorce Scale (EDS), and the Intimacy Scale (IS). Data were analyzed using SPSS-27 and AMOS-24 software through path analysis. The findings showed that marital commitment and marital intimacy have a negative and significant effect on emotional divorce, and the family power structure can positively predict emotional divorce. The indirect effect of marital commitment and family power structure on emotional divorce was statistically significant ($P < 0.01$). The results indicated that intimacy plays a mediating role in the relationship between marital commitment and family power structure with emotional divorce, and emotional divorce can be predicted based on marital intimacy. Understanding the predictors of emotional divorce is crucial for gaining a deeper understanding of marital dynamics and informing targeted interventions, support mechanisms, and preventive strategies. In this context, the interaction between marital commitment, family power structures, and the mediating effect of intimacy is highlighted as a focal point for scientific research and therapeutic interventions.

Cite this article: Jahanbakhshie, Z., Soltanian, S., & Pourshahriar Koleshtri, H. (2025). Prediction of Emotional Divorce based on Marital Commitment and Family Power Structure with the Mediator Role of Intimacy. *Journal of Applied Psychological Research*, (In Press / Accepted). doi: 10.22059/japr.2025.372580.644895



Publisher: University of Tehran Press

© The Author(s).

DOI: <https://doi.org/10.22059/japr.2025.372580.644895>

پیش بینی طلاق عاطفی بر اساس تعهد زناشویی و ساختار قدرت در خانواده با نقش میانجی صمیمیت

زهرا جهانبخشی^۱، سمانه سلطانیان^۲، حسین پورشهریار کلشتری^۳^۱ گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: z.jahanbakhshi@sbu.ac.ir^۲ گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: saman.soltanian@gmail.com^۳ گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: h.pourshahriar@sbu.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۶

تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۴/۲۴

کلیدواژه‌ها:

تعهد زناشویی، ساختار قدرت در خانواده، صمیمیت زناشویی، طلاق عاطفی.

پژوهش حاضر با هدف درک بهتر از عوامل موثر در پیش بینی طلاق عاطفی بر اساس تعهد زناشویی و ساختار قدرت در خانواده با نقش میانجی صمیمیت انجام شد. روش پژوهش براساس هدف از نوع کاربردی، براساس روش پژوهش، توصیفی-همبستگی و از نوع مدل‌سازی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری در این پژوهش، شامل تمامی زنان متأهل شهر کرج در سال ۱۴۰۲ بود که تعداد ۳۵۷ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس و با استفاده از فرمول مورگان انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک (DQ)، سیاهه‌ی تعهد زناشویی (DCI) و ساختار قدرت در خانواده (PSQF) و مقیاس طلاق عاطفی (EDS) و مقیاس صمیمیت (IS) بودند. تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS-27 و AMOS-24 با روش تحلیل مسیر انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد که تعهد زناشویی و صمیمیت زناشویی بر طلاق عاطفی اثر منفی و معنادار دارد و ساختار قدرت خانواده می‌تواند به شکل مثبت طلاق عاطفی را پیش‌بینی کند. اثر غیر مستقیم تعهد زناشویی و ساختار قدرت خانواده بر طلاق عاطفی به لحاظ آماری معنادار بود ($P < 0/01$). نتایج نشان داد که صمیمیت نقش میانجی در رابطه بین تعهد زناشویی و ساختار قدرت خانواده با طلاق عاطفی دارد و با توجه به صمیمیت زناشویی می‌توان طلاق عاطفی را پیش‌بینی کرد. درک پیش‌بینی‌کننده‌های طلاق عاطفی برای به‌دست‌آوردن درک عمیق‌تر از پویایی زناشویی و اطلاع‌رسانی مداخلات هدفمند، مکانیسم‌های حمایتی و راهبردهای پیشگیرانه از اهمیت بالایی برخوردار است. در این زمینه، تعامل بین تعهد زناشویی، ساختارهای قدرت خانواده و تأثیر میانجی سطوح صمیمیت به‌عنوان نقطه‌کانونی برای پژوهش‌های علمی و مداخلات درمانی مطرح می‌شود.

استناد: جهانبخشی، ز.، سلطانیان، س.، و پورشهریار کلشتری، ح. (۱۴۰۴). پیش بینی طلاق عاطفی بر اساس تعهد زناشویی و ساختار قدرت در خانواده با نقش میانجی صمیمیت.

فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی، (پذیرش شده/ آماده انتشار). doi: 10.22059/japr.2025.372580.644895

ناشر: انتشارات دانشگاه

© نویسنده‌گان.

تهران

DOI: <https://doi.org/10.22059/japr.2025.372580.644895>

۱. مقدمه

روابط سالم زوجین به عنوان دو نیروی اصلی در بهبود کیفیت زندگی و سلامت روانی و فیزیکی اعضای خانواده، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (یاکوبی و همکاران^۱، ۲۰۲۱، پورحجازی و همکاران^۲، ۲۰۲۱). طلاق عاطفی^۳ پدیده‌ای تدریجی و آسیب‌زا در روابط زوجی است که در آن زوجین به لحاظ عاطفی از یکدیگر دور شده و محبت، تعامل و همدلی بین آنها کاهش یافته است؛ اما به لحاظ قانونی زن و شوهر هستند. در این رابطه همسران احساساتی مانند فراموشی، فاصله‌گیری، بی‌تفاوتی، بی‌اعتمادی و نارضایتی را تجربه می‌کنند و باعث می‌شود که نتوانند به طور حقیقی و عمیق یکدیگر را درک کنند (تیموز^۴، ۲۰۱۷). طلاق عاطفی مقدمه‌ای بر طلاق رسمی است و می‌تواند به فروپاشی فردی، خانوادگی و آسیب‌های اجتماعی منجر شود و پیامدهای منفی زیادی از جمله خشونت، خیانت و طلاق قانونی در پی داشته باشد. بروز مشکل در برقراری روابط جنسی، مشکلات اخلاقی زوجین و خیانت، مشکلات مالی یا بیکاری مرد، دخالت‌های اطرافیان در زندگی، بروز خشونت در روابط زوجین، ناسازگاری، تفاوت‌های شخصیتی زوجین، تفاوت در ارزش‌ها و باورها، ازدواج‌های اجباری، تفاوت سنی زیاد، مشکل در برقراری روابط عاطفی، ضعف در مهارت‌های کلامی و غیر کلامی و مشکلات در برقراری ارتباط با دیگران، عدم توجه زوجین به نیازهای یکدیگر و اعتیاد برخی از عوامل اثرگذار بر وقوع طلاق عاطفی هستند (یو و همکاران^۵، ۲۰۲۰؛ رحمتی و همکاران^۶، ۲۰۲۰). به همین دلیل شناخت طلاق عاطفی می‌تواند در بررسی به موقع و رفع مشکلات ناشی از این نوع طلاق کمک کننده باشد. در پژوهش دیویس و همکاران^۷ (۲۰۱۸) که بر روی ۷۴ نفر انجام شد، نتایج نشان داد که حدود ۴۶ درصد از زوج‌های شرکت کننده در این پژوهش، تجربه طلاق عاطفی داشته‌اند. برای نرخ طلاق عاطفی در ایران آمار دقیقی یافت نشد. اما طلاق عاطفی مقدمه‌ای بر طلاق رسمی است و بین طلاق عاطفی در زوجین مراجعه کننده به دادگاه خانواده و اقدام به طلاق قانونی، همبستگی وجود دارد (تولیوس و همکاران^۸، ۲۰۲۲).

در خانواده‌هایی که ساختار قدرت نابرابر است، احتمال طلاق عاطفی بیشتر است و زوجین باید برای ایجاد ساختار برابر در خانواده تلاش کنند (نیوونیهویس و ونلانکر^۹، ۲۰۲۰). ساختار قدرت به عنوان یکی از مهمترین عوامل تعیین کننده در نحوه رفتار زوجین، به مجموعه‌ای از الگوها، رفتارها و تعاملاتی گفته می‌شود که بین دو شریک زندگی وجود دارد و نشان دهنده توزیع قدرت و ارتباطات و تعاملات بین همسران، تقسیم کارها، تصمیم‌گیری‌ها، کنترل مالی و انتخابات مهم زندگی مشترک می‌شود (کیم و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۵). برخی صاحب‌نظران مانند مینوچین^{۱۱} (۱۹۷۴) به نقل از گیلدسو و همکاران^{۱۲} (۲۰۱۹) بر این باورند که اختلالات در ساختار روابط خانوادگی می‌تواند منجر به بروز مشکلات در داخل خانواده شود. زوجین سالم دارای ساختار قدرتی هستند که به آنها اجازه می‌دهد تا به طور موثر با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و نیازهای خود را برآورده کنند؛ اما زوجینی که ساختار قدرت سالمی ندارند، بیشتر در معرض مشکلاتی مانند تعارض، خشونت خانگی و نارضایتی از رابطه قرار دارند (اسر و همکاران^{۱۳}، ۲۰۲۱).

1. Yakobi et al.
2. Poorhejazi et al.
3. emotional divorce
4. Timmons et al.
5. Yu et al.
6. Rahmati et al.
7. Davies & Bonner
8. Tullius et al.
9. Nieuwenhuis & Van Lancker
10. Simpson
11. Minuchin
12. Gildersleeve et al.
13. Assr et al.

همچنین زوجینی که تعهد زناشویی بیشتری دارند به احتمال کمتری دچار طلاق عاطفی می‌شوند (غیبی و همکاران^۱، ۲۰۲۲؛ حسینی و همکاران^۲، ۲۰۱۹). تعهد زناشویی^۳ یکی از عوامل مهم برای حفظ رابطه زناشویی، به معنای تصمیم‌گیری فعال و پایبندی به این تصمیم برای حفظ و تقویت رابطه زناشویی است. مطابق مدل سرمایه‌گذاری روسبولت^۴ (۱۹۸۰)، تعهد زناشویی حاصل سرمایه‌گذاری‌های افراد در رابطه شامل زمان، تلاش، منابع مالی و عاطفی است. و هرچه سرمایه‌گذاری بیشتر باشد تمایل فرد به ترک رابطه کمتر خواهد بود. این سرمایه‌گذاری‌ها از راه‌های مختلفی بر تعهد زناشویی اثرگذارند. هرچه فردی با سرمایه‌گذاری بیشتر بر رابطه خود احساس رضایت بیشتری داشته باشد، ترک رابطه برای او هزینه بیشتری خواهد داشت (ترن و همکاران^۵، ۲۰۱۹).

از سوی دیگر ساختار قدرت در خانواده با صمیمیت زناشویی^۶ ارتباط دارد و خانواده‌هایی که ساختار قدرت برابرتری دارند، احتمال بیشتری دارد که صمیمیت زناشویی بیشتری نیز داشته باشند (لاینز^۷، ۲۰۲۰). مطابق نظریه مثلث عشق استرنبرگ^۸ (۱۹۸۶) به نقل از امانی، (۲۰۲۵)، صمیمیت یکی از سه مؤلفه اصلی عشق است و شامل احساسات نزدیکی، اعتماد و ارتباط عاطفی بین دو نفر است. در ساختار قدرت برابر اعتماد و احترام متقابل، ارتباط مؤثر زوجین، احساس برابری و ارزشمندی و حمایت عاطفی و احساسی باعث افزایش صمیمیت و افزایش رضایتمندی زناشویی می‌شود. تعهد و صمیمیت دو مؤلفه مکمل عشق هستند و تعهد به ایجاد و حفظ صمیمیت کمک می‌کند. تعهد زناشویی با صمیمیت زناشویی ارتباط مثبت دارد و تعهد زناشویی بالاتر با افزایش صمیمیت زناشویی در طول زمان همراه است (مدوریز^۹، ۲۰۲۲)؛ چرا که بیان احساسات و یافتن راه‌حل برای مشکلات، برای ماندن در رابطه و تلاش برای حفظ، آن انگیزه کافی را ایجاد نموده و کمک می‌کند تا زوجین احساس اعتماد و امنیت بیشتری نسبت به هم داشته باشند (هادیان و همکاران^{۱۰}، ۲۰۲۳؛ شیرزادی^{۱۱}، ۲۰۲۱). در نتیجه می‌توان گفت صمیمیت از عوامل دیگر تاثیرگذار در پیشگیری از طلاق عاطفی و پایه‌ای اساسی برای روابط سالم است (چو و همکاران^{۱۲}، ۲۰۲۲؛ بیکر و همکاران^{۱۳}، ۲۰۲۰).

طلاق عاطفی می‌تواند پیامدهای منفی زیادی برای زوجین، فرزندان و خانواده داشته باشد. پیش‌بینی طلاق عاطفی به زوجین کمک می‌کند تا برای بهبود رابطه خود اقدام کنند و از پیامدهای منفی طلاق عاطفی جلوگیری کنند. مطالعات نشان داده‌اند که صمیمیت نقش مهمی در پایداری روابط زناشویی ایفا می‌کند (فنگ و همکاران^{۱۴}، ۲۰۲۱). این پژوهش با هدف بررسی دقیق‌تر این نقش، به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا صمیمیت می‌تواند به عنوان یک عامل میانجی، رابطه بین تعهد زناشویی، ساختار قدرت در خانواده و طلاق عاطفی را تبیین کند؟ به عبارت دیگر، آیا کاهش صمیمیت می‌تواند به عنوان یکی از پیامدهای کاهش تعهد زناشویی و یا نابرابری در ساختار قدرت در خانواده، منجر به طلاق عاطفی شود؟ لذا مطالعه حاضر درصدد است تا در لایه‌های پیچیده طلاق عاطفی، نقش تعهد زناشویی و ساختار خانواده را روشن کند، و نقش میانجی صمیمیت را در زمینه طلاق عاطفی برجسته کند. با در نظر گرفتن این موضوع که این متغیرها با توجه به مدل مفروض در ایران بررسی نشده است، بررسی این ابعاد چندوجهی و پیامدهای بالقوه آنها، درک دقیق‌تری از پویایی زناشویی اثرگذار بر طلاق عاطفی را روشن می‌سازد و می‌تواند برای درمانگران زوج و خانواده جهت پیشگیری و مداخلات روانشناختی کمک‌کننده باشد.

1. Ghaibi et al.
2. Hosseinaei et al.
3. marital commitment
4. Rusbult's investment model
5. Tran et al.
6. intimacy
7. Lainez
8. Sternberg's triangular theory of love
9. Medeiros
10. Hadiyan
11. Shirzadi
12. Chow et al.
13. Baker & Halford
14. Feng et al.

۲. روش

۲-۱. جامعه، نمونه و روش اجرا

جامعه آماری این پژوهش شامل تمام زنان متأهل شهر کرج در سال ۱۴۰۲ بوده و روش نمونه‌گیری از نوع نمونه‌گیری در دسترس می باشد. حجم نمونه ۳۵۷ نفر بود. برای تعیین حجم نمونه از فرمول مورگان^۱ در جامعه نامشخص استفاده شد که به شرح زیر است:

$$n = z^2 * p * (1 - p) / d^2$$

در این فرمول n حجم نمونه، Z ضریب اطمینان (که معمولاً برابر با ۱/۹۶ برای سطح اطمینان ۹۵ درصد است)، p احتمال وجود صفت مورد نظر در جامعه و d دقت مورد نیاز است. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل عدم اعتیاد به مواد و اختلالات روانشناختی (به استناد خودگزارش دهی)، تأهل و زندگی مشترک با همسر و معیار خروج آزمودنی‌ها نداشتن ملاک‌های ورود و عدم تکمیل کامل پرسشنامه‌ها بود. از جامعه آماری ذکر شده، پرسشنامه‌ها توسط ۴۰۰ نفر تکمیل گردید که بعداً به دلیل ریزش حجم نمونه‌ها به تعداد ۳۶ نفر به دلیل نداشتن ملاک‌های ورود، تعداد ۳۶۴ نفر (زنان شاغل ۱۸۲ نفر و زنان غیرشاغل ۱۷۴ نفر) مورد بررسی آماری قرار گرفت و در مرحله بعد پیش پردازش انجام شد و ۷ داده دور افتاده چند متغیره با استفاده از روش فاصله‌ها مالانوبیس^۲ شناسایی و حذف شد. بنابر این داده‌های ۳۵۷ پرسشنامه وارد تجزیه و تحلیل شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق نرم افزار SPSS-27 و AMOS-24 انجام گرفت.

۲-۲. ابزارهای سنجش

۲-۲-۱. پرسشنامه مشخصات دموگرافیک^۳ (DQ)

شامل اطلاعاتی از قبیل جنس، سن، سن همسر، مدت ازدواج، مدت اشتغال، تحصیلات، تعداد فرزندان، سوء مصرف مواد و اختلالات روانشناختی است.

۲-۲-۲. مقیاس طلاق عاطفی^۴ (EDS)

مقیاس ۲۴ سؤالی طلاق عاطفی با اقتباس از کتاب موفقیت و شکست توسط گاتمن^۵ (۲۰۰۸) ساخته شد (به نقل از رشیدی و همکاران^۶، ۲۰۲۲). در این مقیاس، پاسخ "بله" یک امتیاز و پاسخ "خیر" امتیازی دریافت نمی‌کند. نمره کل حاصل از جمع امتیازهای گویه‌ها بوده و در بازه‌ای از صفر تا ۲۴ قرار می‌گیرد. بر اساس نظام نمره‌گذاری این ابزار، نمره بین ۰ تا ۸ نشان‌دهنده احتمال پایین طلاق عاطفی و نمره بالاتر از ۱۶ بیانگر احتمال زیاد آن است؛ بنابراین، نمرات بالاتر در این مقیاس دلالت بر سطح بالاتری از طلاق عاطفی دارند. گاتمن (۲۰۰۸) به نقل از رشیدی و همکاران^۶، ۲۰۲۲، پس از بررسی روایی مقیاس با استفاده از روش چرخش واریماکس و آزمون اسکری، آن را مطلوب گزارش کرده است. در پژوهش موسوی و رضازاده (۱۳۹۳)، پایایی کل مقیاس با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۹۳ محاسبه شد. در همین تحقیق روایی صوری پرسشنامه با استفاده از نظر متخصصان مورد تأیید قرار گرفت. موسوی و رضازاده (۱۳۹۳) برای محاسبه روایی سازه از روش تحلیل عاملی استفاده کردند و نتایج آنها نشان داد که بار عاملی همه سؤالات در دامنه ۰/۴۹ تا ۰/۸۰ قرار داشته است. در مطالعه‌ای دیگری که توسط مامی و عسگری (۱۳۹۳) انجام شد، ضریب پایایی پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۳ به دست آمد. در پژوهش حاضر نیز، پایایی این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۵ به دست آمد.

1. Morgan
2. Mahalanobis distance
3. Demographic Questionnaire (DQ)
4. Emotional Divorce Scale (EDS)
5. Gottman, J. M.
6. Rashidi et al.

۲-۳-۳. پرسشنامه ساختار قدرت در خانواده^۱ (PSQF)

پرسشنامه ساختار قدرت در خانواده توسط مهدوی و صوری خسروشاهی (۱۳۸۲) طراحی و ارائه شده است. این پرسشنامه شامل ۳۶ گویه است که به صورت طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای، از «کاملاً مخالفم» (۱) تا «کاملاً موافقم» (۵)، تنظیم شده است. پرسشنامه شامل سه خرده‌مقیاس اصلی است: روابط قدرت در خانواده (۱۲ گویه)، شیوه‌های اعمال قدرت (۱۴ گویه) و حوزه‌های قدرت (۱۰ گویه). پایایی این ابزار در مطالعه اولیه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۴ گزارش شده است و روایی محتوایی و صوری آن نیز توسط متخصصان مورد تأیید قرار گرفته است. علاوه بر این، پژوهش‌های پیشین با تحلیل عاملی^۲، روایی سازه این پرسشنامه را تأیید کرده‌اند. در پژوهش موحد، عنایت و مردانی (۱۳۹۱)، این پرسشنامه از روایی صوری برخوردار بود و پایایی آن با آلفای کرونباخ کلی ۰/۸۶ و برای خرده مقیاس‌ها بین ۰/۷۵ تا ۰/۸۰ گزارش شد. در پژوهش یزدی و حسینی حسین‌آبادی (۱۳۸۷)، روایی محتوایی پرسشنامه با میانگین ۰/۸۶ و پایایی آن با آلفای کرونباخ اولیه ۰/۷۹ و پایایی بازآزمایی ۰/۷۰ بود. در مطالعه حاضر نیز، ضریب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه ۰/۷۷ به دست آمد.

۲-۳-۴. سیاهه‌ی تعهد زناشویی^۳ (DCI)

پرسشنامه تعهد زناشویی که توسط آدامز و جونز (۱۹۹۷) طراحی شده، شامل ۴۴ گویه است و میزان پایبندی افراد به همسر و ازدواج خود را در سه مؤلفه «تعهد شخصی»، «تعهد اخلاقی» و «تعهد ساختاری» ارزیابی می‌کند. پاسخ‌ها در یک طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» ارائه می‌شوند. آدامز و جونز (۱۹۹۷) در پژوهش‌هایی با نمونه‌ای متشکل از ۸۱۰ نفر، روایی و پایایی این ابزار را مورد بررسی قرار داده‌اند و گزارش کرده‌اند که زیرمقیاس‌های پرسشنامه از پشتیبانی نظری و تجربی مناسبی برخوردارند. ضریب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌ها بین ۰/۸۶ تا ۰/۹۱ گزارش شده است (بقایی و یوسفی افراشته، ۲۰۲۱). شاه سیاه، بهرامی و محبی (۱۳۸۸)، روایی صوری و محتوایی این پرسشنامه را تأیید کرده و پایایی آن را با آلفای کرونباخ ۰/۸۵ گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۵ بود.

۲-۳-۵. مقیاس صمیمیت^۵ (IS)

مقیاس صمیمیت توسط واکر و تامپسون^۶ (۱۹۸۳) ساخته شده و شامل ۱۷ سؤال است که به منظور سنجش میزان صمیمیت زناشویی طراحی شده است. پاسخ‌ها در قالب طیف لیکرت هفت‌درجه‌ای از ۱ (هرگز) تا ۷ (همیشه) ارائه می‌شود. نمره کلی از جمع نمرات ۱۷ سؤال و تقسیم آن بر تعداد سؤالات (۱۷) به دست می‌آید، که دامنه آن بین ۱۷ تا ۱۱۹ متغیر است و نمرات بالاتر نشان‌دهنده سطح بالاتری از صمیمیت هستند. واکر و تامپسون (۱۹۸۳) پایایی این مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۷ گزارش کرده‌اند، در ایران، این مقیاس توسط ثنایی (۱۳۷۹) ترجمه و آماده‌سازی شده است. در پژوهش جعفری و همکاران (۲۰۲۴)، پایایی وروایی این مقیاس تأیید شده و ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۸۱ به دست آمده است. در مطالعه چان و همکاران^۷ (۲۰۱۵)، نیز آلفای کرونباخ ۰/۹۱ برای این پرسشنامه تأیید شده است. ضریب آلفا کرونباخ در پژوهش حاضر ۰/۹۷ بود.

۲-۳. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

تحلیل داده‌ها با روش تحلیل مسیر و با استفاده از نرم افزارهای SPSS-27 و AMOS-24 انجام شد.

1. Power Structure Questionnaire in Family (PSQF)
2. factor analysis
3. Dimensions of Commitment Inventory (DCI)
4. Adams & Jones
5. Intimacy Scale (IS)
6. Walker & Thompson
7. Chan et al.

۳. یافته ها

۳-۱. توصیف جمعیت شناختی

پژوهش حاضر بر روی ۳۶۴ نفر از زنان با میانگین سنی ۳۲/۶۳ و انحراف استاندارد ۹/۴۱ انجام شد. قبل از تجزیه و تحلیل داده ها پیش پردازش انجام شد و ۷ داده دور افتاده چند متغیره با استفاده از روش فاصله ماهالانوبیس شناسایی و حذف شد. بنابر این داده های ۳۵۷ پرسشنامه وارد تجزیه و تحلیل شدند. در این پژوهش بر پایه پیشینه پژوهش های موجود، مدل مفهومی برای تبیین روابط ساختاری متغیر ها توسعه یافت. فرض بر این بود که ساختار قدرت و تعهد زناشویی (متغیر برون زا) بر صمیمیت (متغیر واسطه ای) اثر دارد و صمیمیت بر طلاق عاطفی (متغیر های درون زا) تاثیر دارد. با هدف آزمون برازش مدل مفهومی با داده های جمع آوری شده و نیز برآورد ضرائب اثر از تکنیک تحلیل مسیر با روش بیشینه احتمال استفاده شد. بر اساس شاخص های توصیفی، توزیع تمامی متغیر ها نرمال در نظر گرفته شد بنابر این مفروضه نرمال بودن توزیع داده ها رعایت شده است. یافته های جمعیت شناختی در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. یافته های جمعیت شناختی

متغیر	طبقه بندی	فراوانی	درصد فراوانی
تحصیلات	دیپلم و پایین تر	۸۷	۲۴/۴
	فوق دیپلم یا کارشناسی	۲۰۳	۵۶/۹
	کارشناسی ارشد یا بالاتر	۶۷	۱۸/۸
مدت زمان ازدواج	بین ۱ تا ۵ سال	۱۴۶	۴۰/۹
	بین ۵ تا ۱۰ سال	۵۷	۱۶/۰
	بین ۱۰ تا ۱۵ سال	۶۱	۱۷/۱
	بین ۱۵ تا ۲۰ سال	۵۱	۱۴/۳
	بیشتر از ۲۰ سال	۴۲	۱۱/۸
تعداد فرزند	بدون فرزند	۱۴۱	۳۹/۵
	۱ فرزند	۶۹	۱۹/۳
	بین ۱ تا ۳	۱۴۰	۳۹/۲
	بیش از ۳	۷	۲/۰

۳-۲. توصیف شاخص ها

شاخص های توصیفی در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. توصیف شاخص های پژوهش

متغیر	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی استاندارد	خطای
سن	۱۷/۰۰	۷۵/۰۰	۳۲/۵۸	۹/۳۹	۱/۰۷	۱/۸۰	۰/۲۶
صمیمیت	۱۷/۰۰	۱۱۹/۰۰	۸۸/۲۰	۲۵/۸۰	-۰/۷۷	-۰/۴۰	۰/۲۶
طلاق عاطفی	۰/۰۰	۲۴/۰۰	۶/۴۰	۷/۲۹	۰/۹۹	-۰/۳۶	۰/۲۶
ساختار قدرت	۸۲/۰۰	۱۴۵/۰۰	۱۰۸/۱۰	۱۲/۰۴	۰/۷۲	۰/۳۷	۰/۲۶
تعهد زناشویی	۷۵/۰۰	۲۱۱/۰۰	۱۵۶/۷۸	۲۸/۷۲	-۰/۴۸	-۰/۴۳	۰/۲۶

میانگین، انحراف استاندارد، کمینه و بیشینه نمرات هر متغیر در جدول بالا قابل مشاهده است. شاخص های چولگی و کشیدگی در جدول فوق نشان می دهد که توزیع تمامی متغیر ها خارج از حالت نرمال نیست.

۳-۳. همبستگی شاخص ها

ماتریس همبستگی متغیر های پژوهش در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	۱	۲	۳	۴
صمیمیت	--			
طلاق عاطفی	-۰/۸۰**	--		
ساختار قدرت	-۰/۵۴**	۰/۵۲**	--	
تعهد زناشویی	۰/۹۱**	-۰/۸۱**	-۰/۵۴	--
$P < ۰/۰۱$ **				

طبق ماتریس صمیمیت با طلاق عاطفی ($r = -۰/۸۰$ و $P < ۰/۰۱$) و ساختار قدرت ($r = -۰/۵۴$ و $P < ۰/۰۱$) رابطه منفی و معنادار داشت. رابطه صمیمیت با تعهد زناشویی ($r = ۰/۹۱$ و $P < ۰/۰۱$) مثبت و معنادار بود. رابطه طلاق عاطفی با ساختار قدرت ($r = ۰/۵۲$ و $P < ۰/۰۱$) مثبت و معنادار و با تعهد زناشویی ($r = -۰/۸۱$ و $P < ۰/۰۱$) منفی و معنادار بود. ساختار قدرت با تعهد زناشویی ($r = -۰/۵۴$ و $P < ۰/۰۱$) رابطه منفی و معنادار داشت. در جدول ۴ شاخص‌های برازش مدل مفروض ارائه شده است.

جدول ۴. شاخص‌های برازش مدل

NFI	CFI	SRMR	RMSEA
۱	۱	۰	۰/۷۴۹
$> ۰/۹$	$> ۰/۹۵$	$< ۰/۰۸$	$< ۰/۰۸$
دامنه مطلوب			

بازه مطلوب برای شاخص برازش تطبیقی CFI بیشتر از ۰/۹۵ و برای شاخص بنتل-بونت NFI بیشتر از ۰/۹ است. همچنین برای شاخص ریشه، میانگین مربعات باقی‌مانده استاندارد شده SRMR زمانی که از ۰/۰۸ کمتر باشد برازش مدل، مطلوب ارزیابی می‌شود. بنابراین با توجه به قرار داشتن مقادیر شاخص‌های برازش در بازه‌های مطلوب خود، می‌توان نتیجه گرفت مدل از برازش مطلوبی برخوردار است. در جدول ۵ ضرائب استاندارد مستقیم، غیر مستقیم و کل مدل برازش یافته به همراه ضریب تبیین مربوط به هر متغیر نمایش داده شده است.

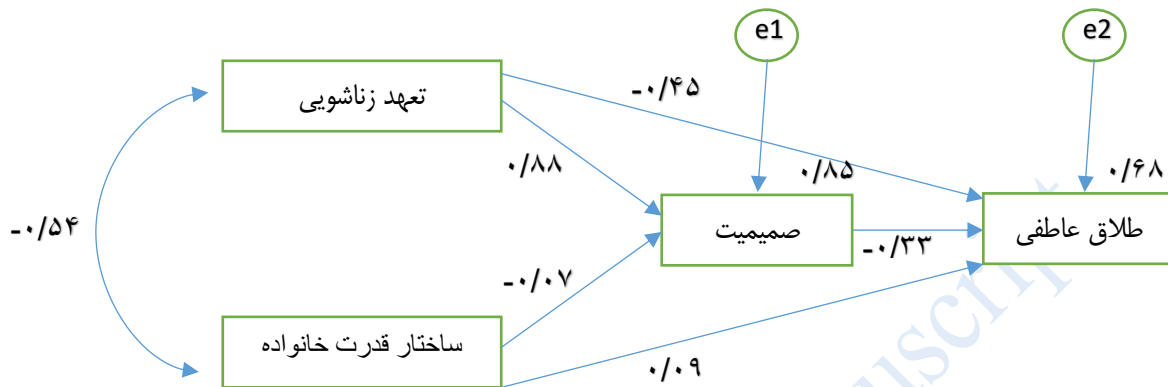
جدول ۵. ضرائب استاندارد مستقیم، غیر مستقیم و کل مدل برازش یافته و ضرائب تبیین

مسیرها	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل	ضریب تبیین (درصد)
بر روی طلاق عاطفی				۶۴/۰
تعهد زناشویی	-۰/۴۵**	-۰/۲۹**	-۰/۷۴**	
ساختار قدرت خانواده	۰/۰۹**	۰/۰۲**	۰/۱۱**	
صمیمیت	-۰/۳۳**	-	-۰/۳۳**	
بر روی صمیمیت				۸۴/۰
تعهد زناشویی	۰/۸۷**	-	۰/۸۷**	
ساختار قدرت خانواده	-۰/۰۷**	-	-۰/۰۷**	

 $P < ۰/۰۱$ **

همانطور که مشاهده می‌شود متغیرهای طلاق عاطفی ($R^2 = ۰/۶۴$)، صمیمیت ($R^2 = ۰/۸۴$)، هر کدام به میزان مطلوبی توسط شاخص‌ها تبیین شده‌اند. تعهد زناشویی بر طلاق عاطفی با ضریب تاثیر ۰/۴۵- اثر منفی و معنادار ($P < ۰/۰۱$) دارد. ساختار قدرت

خانواده با ضریب تاثیر $0/09$ می تواند به شکل مثبت ($P < 0/01$) طلاق عاطفی را پیش بینی کند. صمیمیت با ضریب تاثیر $-0/33$ بر طلاق عاطفی اثر منفی و معنادار ($P < 0/01$) دارد. اثر غیر مستقیم تعهد زناشویی و ساختار قدرت خانواده بر طلاق عاطفی با ضریب تاثیر $0/29$ و $-0/02$ به لحاظ آماری معنادار بود ($P < 0/01$). می توان نتیجه گرفت که صمیمیت زناشویی در رابطه بین تعهد زناشویی و ساختار قدرت خانواده با طلاق عاطفی، اثر جزئی دارد.



شکل ۱. مدل برازش شده پژوهش در حالت ضرائب استاندارد

۴. بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر این بود که با برجسته کردن نقش میانجی صمیمیت، تاثیر تعهد زناشویی و ساختار قدرت خانواده را با طلاق عاطفی روشن کند.

نتایج پژوهش نشان می دهد که تعهد زناشویی با طلاق عاطفی تاثیر منفی و معنادار دارد. تعهد زناشویی که به معنای تمایل و اراده زوجین برای ادامه زندگی مشترک است با طلاق عاطفی رابطه منفی دارد. یعنی، هرچه تعهد زناشویی زوجین بیشتر باشد، احتمال طلاق عاطفی کمتر است. تعهد زناشویی یکی از مهم ترین عوامل پیش بینی کننده پایداری و دوام زندگی مشترک است. زوجینی که به یکدیگر متعهد هستند، بیشتر تلاش می کنند تا مشکلات زندگی مشترک را حل و از جدایی اجتناب کنند.

نتایج پژوهش نشان می دهد که ساختار قدرت خانواده که به نحوه توزیع قدرت و تصمیم گیری در خانواده اشاره دارد، به شکل مثبتی طلاق عاطفی را پیش بینی می کند. این نتیجه با نتیجه پژوهش [یاکوبی و همکاران \(۲۰۲۱\)](#) و [پورحجازی و همکاران \(۱۳۹۹\)](#) همسو است. یعنی، هرچه توزیع قدرت در زوجین نابرابرتر باشد، احتمال طلاق عاطفی بیشتر است. احساس نابرابری و تبعیض می تواند منجر به افزایش احساس تنهایی و کاهش رضایت زناشویی و در نتیجه فاصله گرفتن بیشتر زوجین از یکدیگر شود.

نتایج پژوهش همچنین نشان می دهد که صمیمیت که به معنای نزدیکی و ارتباط عاطفی بین زوجین است با طلاق عاطفی رابطه منفی دارد. یعنی، هرچه صمیمیت بین زوجین بیشتر باشد، احتمال طلاق عاطفی کمتر است. صمیمیت یکی از مهم ترین عوامل پیش بینی کننده رضایت زناشویی است. زوجینی که از نظر عاطفی به یکدیگر نزدیک هستند، بیشتر احساس شادی و رضایت می کنند و کمتر احتمال دارد که از یکدیگر جدا شوند. این نتیجه با نتیجه پژوهش [هادیان \(۲۰۲۳\)](#) و [شیرزادی \(۲۰۲۱\)](#) همسو است. مطابق یافته های پژوهش صمیمیت با تعهد زناشویی رابطه مثبت و معنادار دارد، اما رابطه صمیمیت با ساختار قدرت منفی و معنادار است. این بدان معناست که زوجینی که تعهد زناشویی بیشتری دارند، بیشتر تلاش می کنند تا صمیمیت بین خود را حفظ کنند. همچنین، زوجینی که در خانواده ای با ساختار قدرت نامتوازن زندگی می کنند، کمتر احساس صمیمیت می کنند.

از آنجا که اثر غیر مستقیم تعهد زناشویی و ساختار قدرت خانواده بر طلاق عاطفی نیز به لحاظ آماری معنادار بود، می توان نتیجه گرفت صمیمیت نقش واسطه ای در رابطه بین تعهد زناشویی و ساختار قدرت خانواده با طلاق عاطفی دارد و می تواند رابطه آنها با

طلاق عاطفی را توضیح دهد. در واقع، تعهدزنانشویی و ساختار قدرت خانواده می‌تواند از طریق صمیمیت بر طلاق عاطفی تأثیر بگذارد.

یکی از بزرگ‌ترین محدودیت‌های پژوهش، عدم وجود رابطه علت و معلولی در مطالعات همبستگی است. همبستگی فقط نشان‌دهنده وجود ارتباط بین دو متغیر است و نمی‌تواند دلیل علت و معلول را مشخص کند. همچنین متغیرهای کنترلی ممکن است وجود داشته باشند که بر نتایج تأثیر بگذارند و در تحلیل نادیده گرفته شده باشند. این متغیرها می‌توانند باعث ایجاد همبستگی کاذب بین متغیرهای اصلی شوند. این پژوهش محدود به زنان شهر کرج بود و نتایج ممکن است قابل تعمیم نباشد. در مطالعاتی که شامل پرسشنامه‌ها و یا مصاحبه هستند، ممکن است پاسخ‌دهندگان به دلیل سوگیری‌های اجتماعی یا شخصی، نتایج را به گونه‌ای گزارش دهند که با واقعیت مطابقت نداشته باشد. از سوی دیگر این پژوهش مقطعی می‌باشد و داده‌ها تنها در یک زمان خاص جمع‌آوری شده‌اند و ممکن است نتایج، تغییرات زمانی را منعکس نکنند و از این رو، روابط ممکن است در طول زمان تغییر کنند.

این یافته‌ها می‌توانند به درمانگران خانواده کمک کنند تا عوامل تأثیرگذار بر طلاق عاطفی را شناسایی کرده و استراتژی‌های مؤثر برای پیشگیری از قبیل برنامه‌های آموزشی با موضوع مهارت‌های ارتباطی و مشاوره پیش از ازدواج بمنظور آماده‌سازی زوجین برای مواجهه با چالش‌ها و نیز برنامه‌های مداخله‌ای برای بازسازی صمیمیت و تعهد در زوج‌هایی که نشانه‌های اولیه طلاق عاطفی را تجربه می‌کنند را اجرا و توسعه دهند. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی اثرات متغیرهای جمعیتی مانند سن، تحصیلات و درآمد، و نیز اثرات متغیرهای فرهنگی از قبیل مذهب، زندگی در روستا یا شهر و قومیت‌های مختلف بر نحوه تأثیر متغیرهای اثرگذار بر طلاق عاطفی نیز بررسی شود.

۵. ملاحظات اخلاقی

در فرآیند جمع‌آوری داده‌ها، اطلاعات هویتی شرکت‌کنندگان ثبت نشد و تمامی داده‌ها به صورت محرمانه نگهداری شد. پیش از مشارکت در پژوهش، فرم رضایت‌نامه آگاهانه در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت و تنها افرادی که رضایت آگاهانه خود را اعلام کردند، در پژوهش شرکت کردند.

۶. سپاسگزاری

بدین وسیله از تمامی افرادی که با شرکت در این پژوهش همکاری لازم را به عمل آوردند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود.

۷. حمایت مالی

این مطالعه از هیچ‌گونه حمایت مالی بهره‌مند نبوده است.

۸. تعارض منافع

نویسندگان این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافع علمی، مالی یا شخصی در ارتباط با این پژوهش ندارند.

منابع فارسی

- پورحجازی، م.، خلعتبری، ج.، قربان شیرودی، ش.، و خدابخشی کولایی، آ. (۱۳۹۹). اثربخشی بسته آموزش درمان فراتشخیصی مبتنی بر الگوی مک مستر، درمان متمرکز بر شفقت و ذهن آگاهی بر طلاق عاطفی و دلزدگی زنانشویی زنان دارای تعارض زنانشویی: یک مطالعه راهنما. سلامت اجتماعی، ۱(۱)، ۷۸-۹۰. <https://doi.org/10.22037/ch.v8i1.31297>
- رحمتی، ب.، فرحبخش، ک.، معتمدی، ع.، و برجلی، ا. (۱۳۹۹). الگوی تحول "مایی" در زوج‌های موفق بر مبنای نظریه زمینه‌ای. فصلنامه پژوهش‌های مشاوره، ۱۹ (۷۵)، ۲۸۹-۲۵۲. <http://dx.doi.org/10.29252/jcr.19.75.252>
- ثنایی، ب. (۱۳۷۹). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: انتشارات بعثت.
- شاه سیاه، م.، بهرامی، ف.، و محبی، س. (۱۳۸۸). بررسی رابطه رضایت جنسی و تعهد زنانشویی زوجین شهرستان شهرضا. اصول بهداشت روانی. ۱۱ (۴۳)، ۲۳۸-۲۳۳. <https://doi.org/10.22038/jfmh.2009.1556>
- مامی، ش.، و عسگری، م. (۱۳۹۳، ۲۵ اردیبهشت). نقش تاب‌آوری خود و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی طلاق عاطفی. همایش منطقه‌ای آسیب‌شناسی پدیده طلاق، دانشگاه آزاد اسلامی سقز. سقز، ایران. <https://civilica.com/doc/۲۷۹۵۴۵>

- موسوی، ز.، و رضازاده، س. م. (۱۳۹۳). بررسی نقش نگرش به عشق درپیش بینی طلاق عاطفی زنان و مردان متأهل شهر قزوین. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱۲ (۳)، ۱۶۹-۱۸۸. <https://doi.org/10.22051/jwsps.2015.1492>
- موحد، م.، عنایت، ح.، و مردانی، م. (۱۳۹۱). مطالعه ی عوامل زمینه ای مرتبط با ساختار توزیع قدرت در خانواده (نمونه موردی زنان متأهل شهر شیراز). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱ (۳)، ۱۵۹-۱۷۸. https://jisr.ut.ac.ir/article_36566.html
- مهدوی، م. ص. و صبوری خسروشاهی، ح. (۱۳۸۲). بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده. *مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان*، ۱ (۲)، ۶۵-۲۵. <https://doi.org/10.22051/jwsps.2003.1248>
- یزدی، س. م.، و حسینی حسین‌آبادی، ف. (۱۳۸۷). رابطه ساختار قدرت در خانواده با هوش هیجانی زنان. *مطالعات جوانان*، ۱۲، ۱۷۰-۱۵۷. <https://ensani.ir/fa/article/download/180049>

References

- Adams, J. M., & Jones, W. H. (1997). The Dimensions of Commitment Inventory (DCI). *Journal of Marriage and Family*, 59(1), 97-108. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.72.5.1177>
- Amani, D. (2025). Love is a verb: bolstering destination evangelism through the interplay of destination brand love and destination psychological ownership. *Journal of Humanities and Applied Social Sciences*. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/JHASS-10-2024-0171>
- Assr, D., & Abd-elmaksoud, S. M. (2021). The relationship between Emotional Divorce and Motivation for Achievement among Working Women. *Egyptian Journal of Social Work*, 12(1), 17-38. <https://doi.org/10.21608/ejsw.2021.59192.1125>
- Baghaei, F., & Yousefi Afrashteh, M. (2022). The relationship between original family health, sensation seeking and resilience with marital commitment. *Iranian Journal of Educational Research*. 1(4), 64-75. <http://ijer.hormozgan.ac.ir/article-1-31-en.htm>
- Baker, N., & Halford, W. K. (2020). Assessment of Couple Relationships Standards in Same-Sex Attracted Adults. *Family Process*. <https://doi.org/10.1111/famp.12447>
- Chan, Y. C., Tu, C. Y., & Wang, W. H. (2015). Intimacy as a distinct construct: Validating the intimacy scale among older adults of residential care homes in Hong Kong. *The Open Family Studies Journal*, 7, 60-67. <http://www.openfamilystudiesjournal.com/VOLUME/7/PAGE/60/FULLTEXT/>
- Chow, W. K., Hetherington, K., McGill, B. C., Sansom-Daly, U. M., Daly, R., Miles, G., Cohn, R. J., & Wakefield, C. E. (2022). 'Like Ships in the Night': A Qualitative Investigation of the Impact of Childhood Cancer on Parents' Emotional and Sexual Intimacy. *Pediatric Blood & Cancer*, 69(12), e30015. <https://doi.org/10.1002/pbc.30015>
- Davis, W. E., Abney, S., Perekslis, S., Eshun, S. L., & Dunn, R. (2018). Multidimensional perfectionism and perceptions of potential relationship partners. *Personality and Individual Differences*. 127, 31-38. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2018.01.039>
- Feng, Y.-J., Fan, Y.-J., Su, Z., Li, B., Li, B., Liu, N., & Wang, P. (2021). Correlation of sexual behavior change, family function, and male-female intimacy among adults aged 18- 44 years during COVID-19 epidemic. *Sexual Medicine*, 9(1), 100301. <https://doi.org/10.1016/j.esxm.2020.100301>
- Ghaibi, E., Soltani Manesh, M. R., Jafari Dezfouli, H., Zarif, F., Jafari, Z., & Gilani, Z. (2022). Comparison of Marital Satisfaction, Emotional Divorce and Religious Commitment among Nurses and Staff of Ahvaz Government Hospitals. *Eurasian Journal of Chemical, Medicinal and Petroleum Research*. 1(1), 33-39. <https://doi.org/10.5281/zenodo.7353470>
- Gildersleeve, S., Singer, J. A., Skerrett, K., Wein, S. (2017). Coding "We-ness" in couple's relationship stories: method for assessing mutuality in couple therapy. *Psychotherapy Research*. 27(3), 313-325. <https://doi.org/10.1080/10503307.2016.1262566>
- Hadiyan, N., Mottaghi, S., & Rezapour Mirsaleh, Y. (2023). Investigating the mediating role of maladaptive schemas and emotional expression in the relationship between childhood trauma and sexual intimacy in women from low-income families. *Applied Family Therapy Journal*, 4(5), 610-632. <https://doi.org/10.61838/kman.aftj.4.5.35>

- Hosseinaei, A., & Kaviani, M. (2019). Predicting emotional divorce based on decision-making styles and power structure of the family among employed women. *Journal of Woman and Family Studies*. 7(3), 129-151. (Text in Persian) <https://doi.org/10.22051/jwfs.2019.21896.1848> [Link]
- Jafari, S. F., Kazemian Moghaddam, K., & Gholamzadeh Jofreh, M. (2024). The effectiveness of self-differentiation training on family process and marital intimacy in couples with marital conflict. *Preventive Care in Nursing and Midwifery Journal*, 14(4), 52-60. <http://dx.doi.org/10.61186/pcnm.14.4.52>
- Kim, J. J., Visserman, M. L., & Impett, E. A. (2019). Power in Close Intimate Relationships. In C. R. Agnew & J. J. Harman (Eds.), *Power in Close Relationships* (pp. 192-224). chapter, Cambridge: Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/9781108131490>
- Lainez, N. (2020). Relational Work and Careers of Intimacy: Rethinking the Cultural Interpretation of the Sex Trade in Vietnam. *The Sociological Review*. <https://doi.org/10.1177/0038026120903949>.
- Mahdavi, M. S., & Sabouri Khosrowshahi, H. (2003). The Structure of Power Distribution within the Family. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 1(2), 25-65. <https://doi.org/10.22051/jwsps.2003.1248> (In Persian)
- Medeiros, M. A. (2022). Emotional Intimacy and the Black Matrifocal Family in Northeast Brazil. *Feminist Anthropology*. <https://doi.org/10.1002/fea2.12113>
- Movahed, M., Enayat, H., & Mardani, M. (2012). Study of Related Context Factors with Structure of Power in Family. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 1(3), 159-178. <https://doi.org/10.22059/jisr.2013.36566> (In Persian)
- Mousavi, Z., & Rezazadeh, A. M. (2014). Investigating the role of attitude towards love in predicting emotional divorce among married men and women in Qazvin. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 12(3), 188-16. <https://doi.org/10.22051/jwsps.2015.1492> (In Persian)
- Nieuwenhuis, R., & Van Lancker, W. (Eds.). (2020). The Palgrave Handbook of Family Policy. *Palgrave Macmillan*. <https://library.oapen.org/handle/20.500.12657/46123>
- Poorhejazi, M., Khalatbari, J., Ghorban-Shiroudi, S., & Khodabakhshi-Koolae, A. (2021). The effectiveness of the education package of meta-diagnostic treatment based on the McMaster model with focus on compassion, awareness on emotional divorce and marital boredom among women with marital conflict: A pilot study. *SALĀMAT-I IJTIMĀ' (Community Health)*, 8(1), 78-90. <https://doi.org/10.22037/ch.v8i1.31297> (In Persian)
- Rahmati, B., Farahbakhsh, K., Motamedi, A., & Borjali, A. (2020). The pattern of "Weness" evolution in Successful couples based on grounded theory. *Journal of Conseling Research*, 19(75), 252-289. <http://dx.doi.org/10.29252/jcr.19.75.252> (In Persian)
- Rashidi, F., Monirpour, N., & Dokanei Fard, F. (2022). The model of emotional divorce based on differentiation with the mediating role of attachment styles and experience of we-ness. *Iranian Journal of Educational Sociology*, 5(2), 50-63. https://iase-idje.ir/article-1-1188_-en.pdf
- Rusbult, C. E. (1980). Commitment and satisfaction in romantic associations: A test of the investment model. *Journal of Experimental Social Psychology*, 16(2), 172-186. [https://doi.org/10.1016/0022-1031\(80\)90007-4](https://doi.org/10.1016/0022-1031(80)90007-4)
- shahsiah, M., Bahrami, F., & Mohebbi, S. (2009). On the relationship between sexual satisfaction and marital commitment among couples in Shahreza City, Central part of Iran. *Fundamentals of Mental Health*, 11(43), 233-238. <https://doi.org/10.22038/jfmh.2009.1556> (In Persian)
- Shirzadi, Z., Khakpour, R., & Khodabakhshi-Koolae A. (2021). The Role of Attachment Styles and Spiritual Intelligence in Predicting Women's Emotional Divorce. *JCCNC 2021*. 7 (1) :17-26 <https://doi.org/10.32598/jccnc.7.1.350.1>
- Timmons, A. C., Arbel, R., Margolin, G. (2017). Daily patterns of stress and conflict in couples: Associations with marital aggression and family-of-origin aggression. *Journal Of Family Psychology* .31(1), 93. <https://doi.org/10.1037/fam0000227>

Predicting emotional divorce based on marital commitment and power structure in the family with the mediator role of intimacy

Extended abstract

Aim

This study aimed to gain a deeper understanding of the factors influencing emotional divorce by examining the roles of marital commitment and family power structure, with marital intimacy serving as a mediating variable. Emotional divorce, characterized by a gradual emotional detachment between spouses despite legal marital status, represents a significant precursor to formal divorce and can lead to severe individual, familial, and societal consequences, including violence, infidelity, and legal separation (Timmons, 2017; Yu & et al, 2020). Understanding its predictors is crucial for developing targeted interventions, support mechanisms, and preventive strategies to foster healthier marital dynamics (Feng & et al, 2021).

Research Methodology

This research adopted an applied, descriptive-correlational approach, utilizing structural equation modeling. The statistical population comprised all married women in Karaj City, Iran, in 2023. A convenience sample of 357 participants was selected using Morgan's formula. Data collection involved several standardized instruments: a Demographic Questionnaire (DQ), the Dyadic Commitment Inventory (DCI), the Power Structure in Family Questionnaire (PSQF), the Emotional Divorce Scale (EDS), and the Intimacy Scale (IS). Data analysis was performed using SPSS-27 and AMOS-24 software, employing path analysis to test the proposed structural model. Before analysis, seven multivariate outliers were identified and removed, ensuring the dataset's integrity. The study ensured the normality of data distribution based on skewness and kurtosis indices.

Findings

The results revealed significant associations among the variables. Marital commitment and marital intimacy showed a significant negative effect on emotional divorce, indicating that higher levels of commitment and intimacy are associated with a lower likelihood of emotional divorce. Conversely, the family power structure positively predicted emotional divorce, suggesting that more unequal power distributions increase the probability of emotional detachment. Specifically, marital commitment had a direct negative effect on emotional divorce ($\beta = -0.45$, $p < 0.01$), and family power structure had a direct positive effect ($\beta = 0.09$, $p < 0.01$). Marital intimacy also demonstrated a significant negative direct effect on emotional divorce ($\beta = -0.33$, $p < 0.01$). Importantly, the indirect effects of marital commitment ($\beta = -0.29$, $p < 0.01$) and family power structure ($\beta = 0.02$, $p < 0.01$) on emotional divorce were statistically significant. This confirms that intimacy partially mediates the relationship between both marital commitment and family power structure with emotional divorce. The model fit indices (CFI = 1, NFI = 1, SRMR = 0, RMSEA = 0.0749) demonstrated an excellent fit, supporting the proposed theoretical model. Furthermore, the model explained 64% of the variance in emotional divorce and 84% of the variance in intimacy.

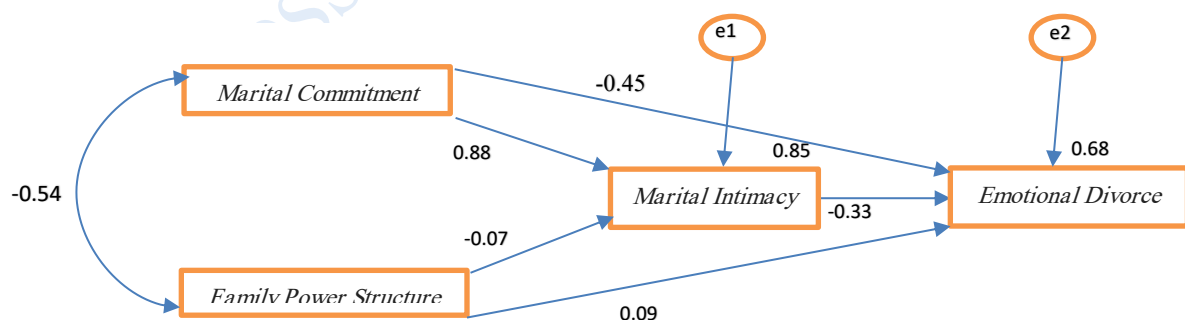


Figure 1. The estimated research model with standardized path coefficients

Conclusion

The study concludes that marital commitment and a balanced family power structure are critical in mitigating emotional divorce, with marital intimacy playing a key mediating role. Greater marital commitment fosters stronger intimacy, which in turn reduces the likelihood of emotional divorce. These findings are consistent with

those reported by Shirzadi et al. (2021) and Hadiyan et al. (2023). Conversely, an imbalanced family power structure tends to undermine intimacy, thereby increasing the risk of emotional divorce, which aligns with the results of Yakobi et al. (2021) and Poorhejazi et al. (2021). These findings underscore the complex interplay among commitment, power dynamics, and intimacy in marital relationships. They offer valuable insights for couple and family therapists, highlighting the importance for interventions focused on enhancing marital commitment, fostering equitable power distribution, and rebuilding intimacy to prevent and address emotional divorce. Future research should explore the influence of demographic factors (e.g., age, education, income) and cultural contexts (e.g., religion, urban/rural background, ethnicity) on these dynamics and employ longitudinal designs to better establish causality.

Keywords: *Emotional Divorce, Family Power Structure, Marital Commitment, Marital Intimacy*

Ethical Considerations

During the data collection process, participants' identifying information was not recorded, and all data were kept confidential. Prior to participating in the study, an informed consent form was provided to participants, and only those who gave their informed consent took part in the research.

Acknowledgments

We sincerely thank all individuals who contributed to this study by participating and cooperating.

Funding

This study did not receive any financial support.

Conflict of Interest

The authors declare that there is no scientific, financial, or personal conflict of interest related to this research.

In Press / Accepted Manuscript